

سکانس دوم: مگه دختر و پسر داره!

قرارمان را توی دانشگاه گذاشته ایم. ساعت ۹ و نیم صبح و قبل از شروع کلاس. مهدیه و سمانه دانشجوی مهندسی مکانیک هستند و ترم سوم را می گذرانند. مهدیه از آن هایی است که به قول بقیه مثل پسرهای زندگی می کند و کارهایش پسرانه است، اما سمانه کاملاً دخترانه است و به قول خودش اهل رنگ صورتی است. می گوید: من اصلاً قبول ندارم که دختر و پسر با هم نباید تفاوت داشته باشند. این مهدیه مدام شاکی هست که چرا پسرهای فلان کار را می توانند بکنند، ولی ما نمی توانیم. به نظر من زن ها حسرت خیلی از کارهایی را می خوردند که ما می توانیم انجام دهیم! مثلاً همین داداش خودم یکی از حسرت های زندگی اش این است که چرا دختر نیست که سر بازی نرود! من که می گم دختر و پسر نداره مهم اینه که خودت چه نگاهی به زندگی داشته باشی و توی چه خانواده ای بزرگ بشی. خیلی از مسائل و حسرت های ما به خاطر رفتارها و محدودیت های خانواده است که باید نگاه اون ها درست بشه. مهدیه حرف های سمانه را قبول ندارد. می گوید: خیلی ها با نگاه جنسیتی برخورد می کنن. هنوز هم خیلی ها می گن دخترها باید برن معلم بشن چه معنی داره توی کار ساختمانی و راه وارد بشن

در حالی که یک نفر چه دختر و چه پسر با توانایی هاش باید قضاوت بشه نه جنسیتی که داره. درک این موضوع خیلی مهمه که توی جامعه ما هنوز جا نیفتاده. یک مثال ساده بزیم! الان خواهر من رفته پرستاری خونده و پرستار شده، هفته ای دو بار باید شیفت شب بمونه! صدبار مامان بزرگم به بابام گفته این کار مناسب دختر نیست! چه معنی داره شب بیرون بمونه! حالا از به طرف دیگه داداشم دانشگاه قبول شده رفته اصفهان. روزی سه بار همین مامان بزرگم قرون صدقه اش می ره که بچه ام داره درس می خونه و می خواد مهندس بشه! ولی هیچ وقت از خواهرم تعریف نمی کنه تازه هر وقت کاری داره یا سرم و آمبول داره، خواهر بیچاره من می ره، ولی باز هم ازش حمایت نمی کنه؛ خب این چه کاری به! حالا بابای من اهل این اخلاق ها نیست و چیزی به خواهرم نمی گه، ولی آدم روحیه اش به هم می ریزه! روزی صدبار هم به خود من می گه می رفتی خیاطی یاد می گرفتی بهتر از این بود که دانشگاه بری! من نمی گم خیاطی بده ولی اینکه می گن دخترها باید برن و این چیزها رو یاد بگیرن اصلاً خوب نیست. یک جوری برخورد می کنن که آدم مثل روناک سریال نون خ بشه! یک جایی گفت: «حیف که مرد همراهمون هست و گرنه به حسابشون می رسیدم!» این حرفش خیلی بهم چسبید!

سکانس سوم: آیا دخترها حق دارند!

قرار می شود با یک کارشناس هم صحبت کنیم. مریم اکبری، جامعه شناس، است و اتفاقاً او هم زندگی دخترانه دارد که اعتقاد دارد باید برای رسیدن به آن تلاش کرد، گاهی با افکار مخالف جنگید و گاهی هم به اختلاف نظرها احترام گذاشت. می گوید: سؤال همیشه این است که آیا دخترها حق دارند آن طور که می خواهند باشند؟ یا پدر و مادرها درست می گویند؟ واقعیت این است که دخترها هم مثل خیلی از ارکان جامعه در حال رشد و تغییر هستند، اما این تغییرها چون گاهی ناگهانی بوده، خانواده ها با آن کنار نیامده اند. این کنار آمدن به معنی پذیرش هر چیزی نیست، بلکه فقط به فرمایش حضرت علی^(ع) پذیرفتن این است که اجازه دهند فرزند زمانه خودشان باشند. دختر امروزی دیگر دختر زمان مادرهای ما نیست که اهل خیاطی و خانه نشینی باشد، اهل تحصیل و دانشگاه است. یک تلفن همراه دارد که کل دنیا در آن است و با این زاویه دید نمی تواند جهانی محدود داشته باشد. این ها را خانواده ها باید بپذیرند و راهکار برای اداره آن داشته باشند نه اینکه دخترشان را محدود کنند. ارتباط بانسل امروزی، چه دختر و چه پسر، هنر است و از طرفی تربیت خانواده بسیار مهم است نمی شود یک شبه به فکر تغییر جوان خود بود بلکه باید از کودکی به فکر فردای سرکشی او بود. درک نشدن و دیده نشدن یا بی توجهی به نیازها، مهم ترین مشکلی است که دخترها از آن گلایه می کنند. به خانواده ها پیشنهاد می کنم که برای فرزندان وقت بیشتری بگذارند. عشق و علاقه خود را به آن ها مدام ابراز کنند. درباره نگرانی های خود با فرزندان حرف بزنند. در همه مسائل زندگی و تصمیم گیری های مهم با آن ها مشورت کنند و به انتخاب های آن ها نیز احترام بگذارند. قواعد و قوانین مشخصی را وضع کنند که منصفانه باشد و روابط فرزندان را زیر نظر داشته باشند و در صورت لزوم به فرزندان آگاهی بدهند. در یک کلام دنیای دخترانه را درک کنند و دختری بزرگ کنند که قرار است مادر آینده باشد، یک مادر سالم، شاد و دانا. نهادهای رسمی با برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی برای خانواده ها در راستای تغییر انتظارات و باورها، تغییر الگوهای تربیتی و آموزش سبک فرزند پروری سالم کمک کنند. همچنین دوره هایی برای افزایش خود باوری و خود آگاهی بیشتر، کمک برای رسیدن به هویت واقعی خود و پذیرش نقش جنسیتی و لذت بردن از نقش زنانه، شناخت استعدادها و توانمندی ها و پرورش آن ها، آموزش مهارت های ارتباط مؤثر و جرئت مندی برای دختران برگزار شود. نکته مهم این است که برای دختر امروز باید الگوسازی کرد، آن هم الگوهایی که با زبان نرم و امروزی برایش معرفی شود تا حدی که باور پذیر باشد.

